

راهبردهای مشارکتی برای والدین و معلمان در حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه

محبوبه خزائی علی آباد^۱، هاجر شیخ الاسلامی^۲

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی روانشناسی کودکان استثنایی، دانشگاه تربیت معلم شهید مدنی قم

چکیده

در حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه، همکاری مؤثر بین والدین و معلمان نقشی حیاتی ایفا می کند. والدین به عنوان اولین آموزگاران کودکان، شناخت عمیقی از نیازها، توانایی ها و چالش های فرزندان شان دارند و می توانند اطلاعات ارزشمندی را در اختیار معلمان قرار دهند. از سوی دیگر، معلمان با دانش تخصصی و تجربه کاری خود در محیط آموزشی، می توانند استراتژی های آموزشی و حمایتی مناسبی را طراحی و اجرا کنند. لذا مقاله حاضر که از نوع مروری، کتابخانه ای است با مطالعه کتاب ها، مقاله ها و پایان نامه ها و... پیشین به هدف بررسی راهبردهای مشارکتی برای والدین و معلمان در حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه می پردازد. نتایج حاصله از این پژوهش بدین شرح است که ترکیب این دو منبع اطلاعات و تجربه، می تواند یک محیط حمایتی جامع و متناسب با نیازهای دانش آموزان ایجاد کند که در آن هر دانش آموز با توجه به ویژگی ها و نیازهای خاص خود مورد توجه و حمایت قرار گیرد. این مقاله با هدف ارائه یک چارچوب جامع برای همکاری والدین و معلمان در حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه نگاشته شده است.

واژه های کلیدی: راهبردهای مشارکتی، والدین، معلمان، دلتش آموزان با نیازهای ویژه، آموزش و پرورش

مقدمه

امروزه توجه به آموزش و پرورش از شاخص های عمده توسعه جوامع انسانی محسوب می شود؛ یعنی کشورها نه تنها بر اساس رشد و توسعه اقتصادی بلکه بر اساس میزان توجه به آموزش و پرورش استثنایی هم مورد ارزیابی قرار می گیرند (جلیلی، ۱۳۹۸). نظام آموزش و پرورش استثنایی به عنوان بخشی مهم و جدایی ناپذیر از نظام تعلیم و تربیت کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. امروزه همه کشورهای جهان به آموزش و پرورش استثنایی به عنوان یک ضرورت فرهنگی و اجتماعی می نگرند و بخش قابل توجهی از امکانات آموزش و پرورش عمومی آنها به کودکان و دانش آموزان استثنایی اختصاص می یابد. یکی از شاخص های ارزیابی میزان توسعه آموزش و پرورش میزان اهمیتی است که کشورها به آموزش و پرورش دانش آموزان دارای نیازهای ویژه خود می دهند (سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۹۲) (کدخدا و همکاران، ۱۳۹۲). در هر جامعه ای درصدی از افراد نیاز به حمایت های خاص دارند و بدون این حمایت ها قادر به برآوردن و تأمین نیازهای خویش و بهره گیری از مواجب جامعه نیستند. در مواجهه با این افراد باید توجه داشت که آنها نیازمند به ترجم نیستند بلکه باید به صورت منطقی با آنها برخورد شود مسئولین و برنامه ریزان باید امکانات لازم را برای رشد و شکوفایی این عده فراهم سازند. چراکه بسیاری از افرادی که تحت عنوان استثنایی قلمداد می شوند با اندک توجه و صرف کمترین هزینه و امکانات و با نیروی پشتکار و اراده خویش تبدیل به انسانهای توانمندی گشته اند که نه تنها نیازهای خویش را به خوبی برآورده ساخته اند بلکه جوامع انسانی در سایه ابتکارات و نوآوری های آنها شاهد افقهای جدیدی از توانمندیهای این عده بوده است (هالان و کافمن، ۲۰۰۳) (جلیلی، ۱۳۹۸). افراد با نیازهای ویژه نسبت به آحاد مردم از شرایط خاصی برخوردارند و اطرافیان آنان نیز به فراخور همراهی و ارتباط با افراد دارای نیازهای ویژه شرایط به مراتب سخت تری را دنبال میکنند (محمدی پویا و همکاران، ۱۴۰۱). والدین در تربیت کودکان و دانش آموزان با نیازهای ویژه نقش بسیار حیاتی دارند آنها باید درک عمیقی از نیازها و مشکلات کودکان خاص داشته باشند و توانایی ارائه حمایت و راهنمایی مناسب را داشته باشند. اولین نقش والدین، پذیرش و قبول نیازهای ویژه کودکان است. والدین باید نسبت به نیازهای خاص کودکان خود حساسیت نشان دهند و به آنها با احترام و توجه ویژه بپردازند این شامل فهم و تحلیل نیازها تأمین منابع و محیط زندگی است که به نیازهای خاص دانش آموزان پاسخ می دهد. والدین باید در مسیر تربیت و آموزش کودکان خاص همکاری با مدرسه و مراکز تخصصی داشته باشند. این شامل حضور در جلسات توجیهی و مشاوره با معلمان و کادرهای تربیتی است. همچنین باید با توصیه ها و راهنمایی های ارائه شده توسط متخصصین حوزه نیازهای ویژه آشنا باشند و آنها را در عمل نیز به کار ببندند (مرادی و همکاران، ۱۴۰۳). اساس و استمرار جوامع بشری از دیرباز بر شالوده ی آموزش و پرورش استوار بوده است و هرچه گردونه ی تاریخ به جلو می رود روز به روز بر اهمیت و نقش اساسی آن افزوده می شود. چراکه این نهاد وظیفه ی مهم تعلیم و تربیت آدمیان را بدوش میکشد و ترقی و سعادت جوامع در گرو کارکرد صحیح، سالم و پویای آن است. در میان عوامل و عناصر متعدد و فراوانی که در حوزه آموزش و پرورش دخیل هستند، یقیناً نقش معلم به عنوان محور و مدار علم و دانش و چراغ هدایت از سایرین برجسته تر و اصلی تر است (دیناروند و گلزاری، ۱۳۹۷). تعلیم و تربیت از جمله عوامل کلیدی توسعه اجتماعی و شخصیتی هر فرد است. در این راستا نقش معلم به عنوان راهنما و مشاور آموزشی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، به ویژه در مدارس استثنایی که به تربیت و آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه می پردازند. ارتباط و تعامل معلم و دانش آموز در این محیطها دارای ارزش فراوانی است، زیرا تاثیر عمیقی بر روی رشد و توسعه دانش آموزان دارد تعامل معلم و دانش آموز در مدارس استثنایی تحولاتی ایجاد میکند که می تواند به تحقق اهداف آموزشی و اجتماعی این دسته از دانش آموزان کمک کند. معلمان در این محیطها نه تنها نیاز به تخصص و تجربه در آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه دارند بلکه باید بتوانند ارتباطات مثبت و پایداری با دانش آموزان برقرار کنند تا ایجاد محیط آموزشی موثری را تسهیل کنند (فتح آبادی و محمدی احمد آبادی، ۱۴۰۲). لازمه برقراری

تاثیر بیشتر به کارگیری راهبرد های مشارکتی میان والدین و معلمان می باشد. موضوع راهبردهای مشارکتی برای والدین و معلمان در حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه یکی از جنبه های حیاتی در آموزش و پرورش مدرن است. دانش آموزان با نیازهای ویژه به دلیل شرایط خاص جسمی، ذهنی یا عاطفی شان نیاز به حمایت و برنامه ریزی دقیق تر و جامع تری دارند. این حمایت نه تنها باید از سوی معلمان، که مستقیماً با این دانش آموزان در محیط آموزشی تعامل دارند، بلکه از سوی والدین نیز به عنوان نزدیک ترین افراد به کودک فراهم شود. تعامل موثر و سازنده بین والدین و معلمان می تواند نقش بسیار مؤثری در شناسایی دقیق تر نیازهای این دانش آموزان و تدوین برنامه های آموزشی و حمایتی مناسب برای آنها داشته باشد (اپستین، ۲۰۱۸). علاوه بر این، همکاری مستمر بین والدین و معلمان می تواند منجر به ایجاد محیطی مثبت و حمایت گر برای دانش آموزان شود که در آن احساس امنیت و پذیرش بیشتری داشته باشند. چنین محیطی می تواند به افزایش اعتماد به نفس و انگیزه در دانش آموزان منجر شود و آنها را ترغیب کند تا به بهترین نحو ممکن توانایی های خود را به کار گیرند. تحقیقات نشان می دهد که دانش آموزان با نیازهای ویژه که از حمایت مشترک والدین و معلمان بهره مند هستند، عملکرد تحصیلی و اجتماعی بهتری دارند و به طور کلی تجربه آموزشی مثبت تری را تجربه می کنند (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد در دهه های اخیر، اهمیت حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه به عنوان یکی از اصول بنیادین نظام های آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. این دسته از دانش آموزان با چالش های متعدد آموزشی، اجتماعی و روانی مواجه هستند که نیازمند رویکردهای حمایتی جامع و هماهنگ است. والدین و معلمان به عنوان دو نهاد اصلی در زندگی این دانش آموزان نقش کلیدی ایفا می کنند. والدین با شناخت دقیق از ویژگی ها و نیازهای فرزندان خود، می توانند اطلاعات و حمایت های ضروری را به معلمان ارائه دهند. معلمان نیز با تخصص و تجربه آموزشی خود، قادر به طراحی و اجرای برنامه های آموزشی و حمایتی متناسب با نیازهای ویژه دانش آموزان هستند. اما همکاری مؤثر بین والدین و معلمان نیازمند راهبردهای مشارکتی ویژه ای است که بتواند ارتباط و تعامل بین این دو گروه را بهبود بخشد و به ایجاد محیطی حمایتی برای دانش آموزان منجر شود. هدف این مقاله مروری، بررسی و تحلیل راهبردهای مشارکتی موجود در ادبیات علمی است که به بهبود همکاری والدین و معلمان در حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه کمک می کند.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، با توجه به نظری بودن این پژوهش، بر طبق استانداردها، که بر پایه ی مطالعات کتابخانه ای انجام شده و از روش های استدلال و تحلیل منطقی استفاده می گردد، از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش تحقیق، کیفی فراتحلیل می باشد که اسناد و مدارک را به صورت کتابخانه ای بررسی کرده و از ۳۵ سند بررسی شده ۲۲ سند را در این مقاله بکار بردیم؛ بدین صورت که به تشریح و توضیح مفاهیم اولیه و نظرات موجود پرداخته و با دسته بندی آرا و استدلال ها به تبیین آنها می پردازیم و با مقایسه بین آنها، بررسی و نقد و نتیجه گیری صورت می گیرد.

پیشینه تحقیق

(مرادی و همکاران، ۱۴۰۳) در مقاله ای با عنوان بررسی نقش والدین در تربیت کودکان و دانش آموزان با نیازهای ویژه بیان کردند که والدین باید به کودکان خاص خود عشق و محبت بی شماری ارائه کنند ایجاد ارتباط عمیق با کودکان به ایشان اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی می بخشد. والدین میتوانند با پذیرش و دوستی با تفاوت های کودکان آنها را در مسیر

توسعه و رشد تحصیلی و اجتماعی همراهی کنند. با انجام این نقشها والدین میتوانند نقش بسیار مؤثری در تربیت کودکان و دانش آموزان با نیازهای ویژه ایفا کنند.

(بهرامی سعادت آبادی و ملایی، ۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان مطالعه یادگیری و درک خواندن دانش آموزان استثنایی با استفاده از کامپیوتر بیان کردند که، امروزه نظامهای آموزشی را با معیارها و ویژگیهایی ارزیابی مینمایند که یکی از آنها میزان توجه به دانش آموزان استثنایی است در آموزش و پرورش کشور ما علی رغم آنکه اقدامات مؤثری در این زمینه از هشت دهه پیش آغاز شده و توفیقاتی طی این مدت به ویژه در سالهای اخیر داشته است لکن هنوز تا رسیدن به حد مطلوب به گونه ای که تمام کودکان بتوانند با توجه به استعدادها و تواناییها و محدودیتهای خویش از حقوق حقه آموزش و پرورش بهره مند گردند فاصله بسیار داریم.

(ترنابل و همکاران، ۲۰۱۵ و هورنبای، ۲۰۱۱) در تحقیقی نشان داده اند که والدین به عنوان منابع اطلاعاتی مهم، می توانند شناخت بهتری از نیازها و قابلیت های فرزندان خود به معلمان ارائه دهند، که این امر می تواند به طراحی برنامه های آموزشی مؤثرتر کمک کند. از سوی دیگر، معلمان با تخصص و تجربه کاری خود می توانند والدین را در اجرای استراتژی های آموزشی و تربیتی مناسب در خانه یاری کنند

(اپستین، ۲۰۱۱) در پژوهشی اهمیت همکاری بین والدین و معلمان در حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه را مورد تأکید قرار داده است. وی بیان میکند که مشارکت والدین و معلمان نقش اساسی در بهبود نتایج تحصیلی و رفاه روانی-اجتماعی دانش آموزان با نیازهای ویژه دارد و همچنین همکاری نزدیک بین والدین و معلمان می تواند به بهبود مهارت های اجتماعی، افزایش انگیزه و پیشرفت تحصیلی این دانش آموزان منجر شود.

(دانست و دمپسی، ۲۰۰۷) در پژوهشی به اهمیت ایجاد برنامه های آموزشی و کارگاه های مشترک برای والدین و معلمان به منظور افزایش دانش و مهارت های آنها در حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه اشاره دارند که این برنامه ها می توانند به بهبود درک متقابل و افزایش همکاری مؤثر بین این دو گروه کمک کنند.

دانش آموزان با نیاز های ویژه

کودک (دانش آموز استثنایی) یک واژه آمریکای شمالی است و به کودکی اطلاق میشود که به طور معناداری از متوسط گروه سنی در یک یا چند ویژگی ذهنی بدنی و اجتماعی تفاوت قابل ملاحظه ای دارد و دامنه این تفاوت تا حدی است که به آموزش و پرورش ویژه نیاز دارد. این واژه هم کودکی را که به هر دلیلی عملکرد پایین تر از متوسط دارد و هم کودک تیزهوشی (سرآمد) که سطح عملکرد او بسیار بالاتر از متوسط است را شامل میشود (گاردنر، ۲۰۱۶) (بهرامی سعادت آبادی و ملایی، ۱۳۹۹). دانش آموزان با نیازهای ویژه گروهی از کودکان و نوجوانان هستند که به دلیل شرایط خاص جسمی، ذهنی، یا عاطفی نیازمند حمایت های ویژه ای در محیط های آموزشی هستند. این دانش آموزان ممکن است با مشکلاتی نظیر اختلالات یادگیری، ناتوانی های جسمی، اختلالات طیف اوتیسم، اختلالات عاطفی و رفتاری، یا مشکلات بینایی و شنوایی مواجه باشند. پژوهش ها نشان می دهند که ارائه حمایت های مناسب و مداخلات هدفمند می تواند تأثیر قابل توجهی بر روی موفقیت تحصیلی و رشد اجتماعی این دانش آموزان داشته باشد (رزنبرگ و همکاران، ۲۰۰۸). مطالعه درباره دانش آموزان با نیاز های ویژه مطالعه درباره تفاوت هاست دانش آموز استثنایی به طریقی با دانش آموز عادی و معمولی متفاوت است و دانش آموز استثنایی دارای مسائل و برخوردار از استعدادهای ویژه ای است که در نحوه تفکر دیدن شنیدن صحبت کردن و اجتماعی شدن یا حرکات او تأثیر

میگذارد مطالعه درباره دانش آموز استثنایی مطالعه درباره تشابهات نیز هست آنها در همه جنبه ها با دانش آموزان معمولی متفاوت نیستند دانش آموزان استثنایی کسانی هستند که برای شکوفا شدن استعدادهای بالقوه ای که دارند نیاز به آموزش و پرورش و خدمات ویژه ای دارند (بهرامی سعادت آبادی و ملایی، ۱۳۹۹). حمایت های روانی-اجتماعی نقش مهمی در پیشرفت دانش آموزان با نیازهای ویژه ایفا می کنند. ایجاد یک محیط آموزشی حمایتی و برقراری ارتباط موثر بین دانش آموزان، معلمان، والدین می تواند تاثیرات مثبتی بر سلامت روانی و عاطفی این دانش آموزان داشته باشد. دانش آموزانی که احساس حمایت بیشتری از سوی معلمان و همسالان خود دارند، در مواجهه با چالش های تحصیلی و اجتماعی موفق تر هستند (بیکر و همکاران، ۲۰۰۸).

همکاری معلم و والدین

نقش بی بدیل تعلیم و تربیت در زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... همواره شرایط توجه متخصصان و عالمان را به این موضوع مهم در طول تاریخ فراهم کرده است با گسترش اهمیت تعلیم و تربیت در جوامع مختلف جایگاه آموزش دهنده (مدرس معلم نیز روز به روز فزونی پیش می رود. این افزایش روزافزون تا جایی پیش رفته است که امروزه نقش معلم به عنوان یکی از اساسی ترین عناصر برنامه درسی در قامت غیر قابل انکاری جلوه کرد که به زعم متخصصان شکی نیست که معلم میتواند در تکوین هویت ملی دینی و... نقش آفرینی کند (شعاری نژاد ۱۳۷۵؛ به نقل از شهپر برزگر و احمدی، ۱۳۹۶) با این حال حرفه معلمی نیازمند دانش پشتکار و البته انگیزه و علاقه فراوان است چرا که سر بلند بیرون آمدن از این وادی نیازمند وقت گذاشتن و انرژی از سوی معلمان است. البته این موضوع در معلمان دانش آموزان استثنایی به علت شرایط ویژه آموزشی خاص مدارس در هر گروهی اعم از کم توان ذهنی نابینا ناشنوا دارای اختلال عاطفی یا افراد ناتوان در یادگیری (روحانی معنوی پور، ۱۳۸۸) به مراتب دشوارتر است (رهبر کرباسدهی، حسین خانزاده و رهبر کرباسدهی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر با توجه به آنکه تحقق امر تربیت نیازمند آن است که بین تمامی عوامل سهیم و موثر در تربیت هماهنگی و همراهی وجود داشته باشد بنابراین تمامی تلاشهایی که در خانواده در امر هدایت فرزندان انجام پذیرفته است بعد از ورود فرزندان به نظام آموزش رسمی باید همچنان تداوم یابد تا تثبیت عمل محقق گردد و اساساً عملکرد مطلوب یا نامطلوب خانواده ها، در کندی و رشد تربیت در مدرسه بسیار موثر است. کودکی که از بدو تولد، اولیاء او اهتمام جدی در امر تربیت داشته اند و با برنامه ریزی هدفمند در تمامی محیطهای تربیتی به دنبال زمینه سازی برای دستیابی فرزندان به حد نصابی از شایستگی ها بوده اند قطعاً از قابلیت های بالفعل بالاتری در بسیاری از امور برخوردار خواهند بود و در این صورت ادامه امر تربیت راحت تر و به شکل مطلوب تری تداوم خواهد یافت عکس این عمل هم برای کودکانی که در خانه صحیح تربیت نشده اند امکان دارد و وظیفه معلم در برابر این متریبان بسیار سنگین تر است. بنابراین وجود ارتباط بین خانه و مدرسه یکی از ضرورت های بایسته در راستای شناسایی استعدادها و محدودیت ها و نقاط قوت و ضعف دانش آموزان و بهره گیری از ظرفیت های موجود در این دو کانون محوری تربیت میباشد (کشاورز، ۱۳۹۱). جامعه شناسان و روان شناسان از جمله عوامل مهم بروز مشکل در رفتار فرزندان را تعارض و عدم هماهنگی رفتاری بین پدر و مادر یا والدین با مربیان می شناسند آنان معتقدند چنان چه رفتارهای پدر و مادر با فرزند در محیط خانواده یا رفتار والدین و مربیان در محیط های خانه و مدرسه در تعارض و تضاد باشند، این تعارض به اختلال رفتاری، که ناشی از بلاتکلیفی فرد در امر الگوپذیری است، منجر خواهد شد و عوارض سوء روانی و رفتاری را به دنبال دارد که این امر در دانش آموزان با نیاز های ویژه از اهمیت بیشتری برخوردار است. بر عکس اگر هماهنگی رفتاری والدین با مربیان به وجود آید، علاوه بر ایجاد سازگاری در فرزند، تقویت رفتارهای مطلوب را نیز موجب می گردد و به پیشرفت

تحصیلی او خواهد انجامید. بنابراین تضاد ارزشی بین رفتارهای دانش آموز در خانه و مدرسه، وجود دارد و یکی از مهمترین راه کارهای کاهش این گونه تضادهای (فرهنگی، رفتاری، اخلاقی و اعتقادی)، تعامل بیش تر اولیای خانه با اولیای مدرسه (از جمله مدیر، معاون و معلم) است (شامردی؛ سهرابی و شریفی، ۱۴۰۲).

لزوم ارتباط و تعامل بین اولیاء و معلمان در دانش آموزان با نیاز ویژه

۱. درصد زیادی از کودکان با نیاز های ویژه به دلیل محدودیت ها و معلولیت ها به تأخیر رشدی مبتلا می شوند و رساندن فرد معلول به سطح قابل قبول به تعامل و یاری معلم و کودک و والدین نیازمند است.
۲. کودکان با نیاز های ویژه جهت آموزش به تخصص های ویژه نیاز دارند و لازم است که والدین از طرف متخصصان و مربیان موجود در مدرسه مورد آموزش قرار گیرند تا بتوانند بهتر و مطلوب تر به آموزش و برخورد با فرزند خود در خانواده بپردازند.
۳. آموزش ویژه نسبت به آموزشهای عادی در مدارس مستمرتر و طولانی تر است و بالطبع احتیاج به صرف وقت زیادتری از طرف والدین و معلم دارد و آموزشهای معلم لازم است که از طرف والدین در محیط خانه پیگیری و ادامه داده شود و این موضوع، تعامل والدین و معلم را به صورت مطلوب تری می طلبد.
۴. آموزش های ویژه مخصوص کودکان استثنایی از تنوع و ظرایف خاصی برخوردار است و این تنوع و امکانات متفاوت احتیاج به هماهنگی و برنامه ریزی دارد و این برنامه ها و هماهنگی ها ارتباط مستمر و دائمی والدین و معلم را می طلبد (کشاورز، ۱۳۹۱).

راهبردهای مشارکتی برای والدین و معلمان در حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه

راهبردهای مشارکتی بین والدین و معلمان برای حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه نقش حیاتی در بهبود کیفیت آموزشی این دانش آموزان ایفا می کند. یکی از راهبردهای مؤثر، ایجاد تیم های مشترک از والدین، معلمان و متخصصان است که به صورت منظم جلساتی برای بررسی پیشرفت تحصیلی و نیازهای خاص دانش آموز برگزار می کنند. این تعاملات منظم باعث می شود که اطلاعات دقیق تری درباره وضعیت تحصیلی و نیازهای عاطفی دانش آموز به دست آید و برنامه های آموزشی و حمایتی متناسب با این نیازها تنظیم گردد (اپستین، ۲۰۱۸). همچنین، ارائه برنامه های آموزشی ویژه برای والدین و معلمان، یکی دیگر از راهبردهای موفق است. این برنامه ها شامل آموزش تکنیک های مؤثر در مدیریت رفتار، روش های تدریس تطبیقی و راهکارهای حمایت عاطفی از دانش آموزان با نیازهای ویژه می باشد. آموزش مستمر والدین و معلمان منجر به بهبود عملکرد تحصیلی و اجتماعی این دانش آموزان می شود. همکاری و تعامل مثبت بین والدین و معلمان، نه تنها باعث تقویت احساس تعلق و اعتماد به نفس در دانش آموزان می شود، بلکه به ایجاد محیطی امن و حمایت گر برای یادگیری آنها کمک می کند (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۹). یکی دیگر از عناصر کلیدی در راهبردهای مشارکتی موفق، ایجاد سیستم های ارتباطی باز و مؤثر بین والدین و معلمان است. استفاده از ابزارهای دیجیتال مانند پلتفرم های آموزشی آنلاین، گروه های پیام رسان و ایمیل می تواند به تسهیل این ارتباطات کمک کند. این ابزارها به والدین و معلمان این امکان را می دهد که به صورت منظم در جریان پیشرفت دانش آموز قرار گیرند و به سرعت به مشکلات و نیازهای جدید پاسخ دهند. این ارتباطات مستمر و به روز به شکل گیری یک شبکه حمایتی قوی برای دانش آموزان با نیازهای ویژه کمک می کند (تامپسون و مازر، ۲۰۱۹). علاوه بر این، ایجاد برنامه های

مشارکتی برای والدین و معلمان در خارج از کلاس نیز می تواند تأثیرات مثبتی داشته باشد. برنامه هایی مانند کارگاه های مشترک، جلسات مشاوره گروهی و فعالیت های اجتماعی می تواند به تقویت روابط بین والدین و معلمان کمک کرده و احساس همبستگی بیشتری در جامعه آموزشی ایجاد کند. چنین فعالیت هایی منجر به افزایش رضایت والدین از خدمات آموزشی و بهبود روحیه و انگیزه معلمان می شود. به طور کلی، راهبردهای مشارکتی مؤثر بین والدین و معلمان نقش بسزایی در بهبود تجربه آموزشی و رشد همه جانبه دانش آموزان با نیازهای ویژه دارد (بلو و همکاران، ۲۰۲۰).

نتیجه گیری

همکاری مؤثر میان والدین و معلمان در حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه به طور چشمگیری می تواند بهبود کیفیت تحصیل و رفاه کلی این دانش آموزان را تسهیل کند. تعامل مستمر و هماهنگ بین این دو گروه کلیدی، توانمندی ها و نیازهای خاص دانش آموزان را بهتر شناسایی کرده و فرصت های بیشتری برای ارائه پشتیبانی آموزشی و روانی فراهم می آورد. راهبردهای مشارکتی مؤثری از جمله ایجاد کانال های ارتباطی منظم، استفاده از تکنولوژی های نوین، و برگزاری کارگاه های آموزشی مشترک، می توانند به بهبود این همکاری ها کمک کنند و موانع ارتباطی موجود را کاهش دهند. موفقیت در پیاده سازی راهبردهای مشارکتی به میزان زیادی به تعهد و همکاری مشترک والدین و معلمان وابسته است. این تعامل نه تنها به بهبود وضعیت آموزشی دانش آموزان با نیازهای ویژه کمک می کند، بلکه می تواند به تقویت روابط خانوادگی و ارتباطات میان فردی در محیط مدرسه نیز منجر شود. نکته مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، نیاز به آموزش و ارتقاء مهارت های ارتباطی و مدیریتی برای والدین و معلمان است. ایجاد برنامه های آموزشی و دوره های کارگاه های مشترک که به والدین و معلمان آموزش دهد چگونه به طور مؤثر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و مشکلات را به طور سازنده حل نمایند، می تواند به بهبود کیفیت همکاری کمک کند. همچنین، تأمین منابع و حمایت های لازم برای اجرای این راهبردها ضروری است. مدارس و نهادهای آموزشی باید به این موضوع توجه ویژه ای داشته باشند و منابع مالی و انسانی لازم را برای تسهیل این همکاری ها فراهم کنند. در نهایت، برای ارتقاء کیفیت آموزش و حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه، توصیه می شود که برنامه های آموزشی و سیاست های حمایتی به گونه ای طراحی شوند که زمینه های همکاری فعال و مؤثر میان والدین و معلمان را فراهم کنند. این همکاری می تواند به توسعه رویکردهای آموزشی و حمایتی منطبق بر نیازهای فردی دانش آموزان منجر شود و بهبودهای قابل توجهی در نتایج تحصیلی و رفاه اجتماعی آن ها ایجاد کند. با توجه به نیاز به پژوهش های بیشتر در این حوزه، پیشنهاد می شود که مطالعات آینده بر روی اثربخشی راهبردهای خاص و تجارب عملی در زمینه همکاری والدین و معلمان تمرکز کنند. با در نظر گرفتن تمامی این موارد، می توان امیدوار بود که با تداوم و تقویت راهبردهای مشارکتی مؤثر، حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه به سطح بالاتری ارتقا یابد و شرایط آموزشی و اجتماعی این دانش آموزان بهبود یابد.

منابع

- بهرامی سعادت آبادی، فرزانه و ملایی، بهاره (۱۳۹۹). مطالعه یادگیری و درک خواندن دانش آموزان استثنایی با استفاده از کامپیوتر. سومین کنفرانس روانشناسی علوم تربیتی علوم اجتماعی و علوم انسانی.
- جلیلی، صغری (۱۳۹۸). تأثیر راهبردهای یادگیری بر خود تنظیمی خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان با نیازهای ویژه ناشنویان. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)، واحد تهران جنوب دانشکده علوم انسانی.
- روحانی ع، معنوی پور د (۱۳۸۸). مشوقها و بازدارنده ها در حرفه تدریس به دانش آموزان استثنایی. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۹(۴) ۳۲۱-۳۲۱.
- رهبر کرباسدهی، ف؛ حسین خانزاده، ع و رهبر کرباسدهی ا (۱۳۹۵). مقایسه تنیدگی شغلی و رضایت شغلی در معلمان دانش آموزان با کم توان ذهنی و معلمان دانش آموزان عادی. تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۶(۴) ۳۱-۲۵.
- شامردی، حسن؛ سهرابی، نگین و شریفی، فرشته (۱۴۰۲). تاثیر ارتباط اولیا با مدرسه در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه.
- شهپر، م؛ برزگر، م و احمدی، ع (۱۳۹۶). مقایسه ی مهارتهای ارتباطی و احساس اثر بخشی معلمان مدارس کم توان ذهنی و عادی. فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۸(۴) ۳۲۳-۳۰۵.
- فتح آبادی، محمدسعید و محمدی احمد آبادی، ناصر (۱۴۰۲). بررسی ویژگی های تعامل معلم و دانش آموز مدارس استثنایی در کلاس درس. دومین همایش بین المللی کودکان استثنایی رویکردهای نوین در روانشناسی آموزش و توانبخشی کودکان استثنایی .
- کدخدا، جواد؛ پورشافعی، هادی و دستجردی، رضا (۱۳۹۲). ضرورت تغییر در مواد آموزشی دانش آموزان با نیازهای ویژه. همایش ملی انجمن مطالعات درسی ایران (تغییر در برنامه درسی دوره های تحصیلی آموزش و پرورش).
- کشاوری، سوسن (۱۳۹۱). خانواده و کودک با نیاز ویژه تبیین نقش قبل از تولد و بعد از تولد. تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۱۰.
- محمدی پویا، سهراب، قادری، سیامند، ادیب، یوسف، و سیدی نظری، سیدطاهر. (۱۴۰۱). واکاوی دیدگاه معلمان پیرامون مدارس دانش آموزان با نیازهای ویژه؛ به منظور ارائه پیشنهادها ی سیاستی. کودکان استثنایی (پژوهش در حیطه کودکان استثنایی)، ۲۲(۲)، ۸۹-۱۰۶ .
- مرادی، علی؛ قریشوندی، احسان؛ موسوی، سید محمد و نامجو فر، رضا (۱۴۰۳). بررسی نقش والدین در تربیت کودکان و دانش آموزان با نیازهای ویژه. شانزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران .

Baker, J. A., Grant, S., & Morlock, L. (2008). The teacher-student relationship as a developmental context for children with internalizing or externalizing behavior problems. *School Psychology Quarterly*, 23(1), 3-15.

- Blue-Banning, M., Summers, J. A., Frankland, H. C., Nelson, L. L., & Beegle, G. (2020). Dimensions of family and professional partnerships: Constructive guidelines for collaboration. *Exceptional Children*, 70(2), 167-184.
- Dunst, C. J., & Dempsey, I. (2007). Family professional partnerships and parent involvement in early education. *International Journal of Disability, Development and Education*.
- Epstein, J. L. (2011). *School, family, and community partnerships: Preparing educators and improving schools*. Westview Press.
- Epstein, J. L. (2018). *School, family, and community partnerships: Preparing educators and improving schools*. Routledge.
- Gardner, Howard (2016) *Changing Minds. The art and science of changing our own and other people's minds*. Boston MA.: Harvard Business School Press.
- Hornby, G. (2011). *Parental involvement in childhood education: Building effective school-family partnerships*. Springer Science & Business Media.
- Rosenberg, M. S., Westling, D. L., & McLeskey, J. (2008). *Special Education for Today's Teachers: An Introduction*. Pearson.
- Smith, J. D., Swindle, T., & Dinkel, D. (2019). Implementing parenting programs in early childhood settings: Lessons learned and future directions. *Journal of Education and Training Studies*, 7(3), 56-65.
- Thompson, B., & Mazer, J. P. (2019). Family-school communication: Using technology to enhance engagement. In K. Scherer & M. Howard (Eds.), *The Palgrave Handbook of Family Communication* (pp. 421-435). Palgrave Macmillan.
- Turnbull, A. P., Turnbull, R., Erwin, E. J., Soodak, L. C., & Shogren, K. A. (2015). *Families, professionals, and exceptionality: Positive outcomes through partnerships and trust*. Pearson.